

### بررسی رابطه ی بین دینداری خانواده با نوگرایی دینی در بین نوجوانان

#### مطالعه ی موردی: دانش آموزان دوره دوم متوسطه شهر یزد

مهدی حسنی \*

محمد هادی یاراحمدی

#### چکیده

در دنیای امروزی گسترش تجدد و مدرنیسم یکی از ملزومات زندگی بشر تلقی شده و مدرنیسم؛ اصول، مبانی و سبک زندگی خاصی را به همراه خود برای بشر به ارمغان آورده است؛ از سوی دیگر، دینداری، در جامعه امروزی در رویارویی با اندیشه های مدرنیته و نوگرایی قرار گرفته؛ به نحوی که برخی از افراد مبانی مدرنیته را با اندیشه های دینی آمیخته اند و به نوعی از نظر دینی نوگرا شده اند و بعضا با مسائل زیادی روبرو هستند. عوامل بسیاری بر گرایش افراد به مبانی مدرنیسم تاثیرگذار است که یکی از این عوامل نهاد خانواده می باشد. این تحقیق با هدف بررسی رابطه بین میزان دینداری خانواده با میزان گرایش به نوگرایی دینی، انجام گرفت. روش انجام تحقیق از نوع توصیفی-همبستگی و کاربردی بود. جامعه ی آماری را دانش آموزان دوره دوم متوسطه شهرستان یزد ناحیه ی ۱ آموزش و پرورش تشکیل داده اند (۱۰۰۰ نفر)، و حجم نمونه بر اساس جدول مورگان عبارت بود با «۳۷۵ نفر» که با روش نمونه گیری خوشه ای چندمرحله ای مورد سنجش قرار گرفتند. ابزار گردآوری داده ها پرسشنامه محقق ساخته بود و از مبانی نظری دینداری گلاک و استارک و نظریه کنترل اجتماعی خانواده در تهیه پرسشنامه استفاده گردید. نتایج نشان داد که بین میزان نوگرایی دینی در هر پنج بعد بررسی شده (نوگرایی دینی در ابعاد اعتقادی؛ شناختی؛ پیامدی؛ مناسکی و عاطفی) با دینداری خانواده همبستگی معکوس و معناداری وجود دارد. بنابراین خانواده از مهمترین نهادهای اجتماعی بوده که تاثیر عمیقی بر پرورش و رشد شخصیت و ابعاد فرهنگی زندگی فرزندان دارد؛ و به منظور کاهش آسیب های اجتماعی در سطح جامعه؛ توجه به کارکردهای خانواده یکی از ملزومات اساسی می باشد.

**کلیدواژه ها:** مدرنیسم، نوگرایی دینی، دینداری خانواده، نوجوان، یزد

### مقدمه

امروزه شاهد تحول عظیمی در عرصه بینش‌ها، ارزش‌ها، و رفتارها در خانواده هستیم که قطعاً خانواده ایرانی نیز از این قاعده مستثنا نیست. آنچه بیش از هر چیز خانواده امروزی را از خود متأثر نموده، ورود مدرنیته به فضای زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها و تأثیرگذاری آن بر فرد، خانواده و جامعه است که می‌توان این تأثیرات را در جنبه‌های مختلف دینی، معرفتی، اجتماعی، فرهنگی و... به وضوح مشاهده و مورد نقد و بررسی قرار داد.

مدرنیته ای که سن آن بیش از سه قرن است، پدیده ای نیست که بتوان به سادگی در مورد آن قضاوتی همه جانبه داشت؛ اما قدر مسلم این است که مدرنیسم، در طول تاریخ حیات خویش، دچار بحران‌ها و چالش‌های گوناگون شده است. از جمله، تکیه صرف بر عقل و دوری از احساس و ایمان، که خود باعث سستی بنیان جوامع مدرن گردیده است (باقری بروجردی، ۱۳۸۹).

اما آن چه مدرنیته را از سنت گرائی و زیست سنتی جدا می‌سازد، همان خصلت انتقادی مدرنیته و راز زدایی آن از سنت به جای پیروی از آنست. مدرنیته دارای اصول و پایه‌هایی است که در ذیل به طور خلاصه به آنها اشاره می‌کنیم:

- **تجربه گرایی:** یعنی توجه و اهتمام ویژه به شیوه تجربه برای مطالعه و تحقیق در علوم طبیعی و انسانی، بدون توجه به امور فلسفی و برهانی.
- **انسان مداری:** یعنی اعتقاد به محوریت انسان در تمام عرصه‌ها.
- **عقل گرایی:** به این معنا که عقل مستقل از وحی و آموزه‌های الهی توان اداره زندگی بشر را دارد و انسان با استفاده از عقل خود قادر است تمام مسائل را درک نموده و به حل آنها بپردازد.
- **لیبرالیسم:** به معنای آزادی خواهی خارج از چهارچوب دین.
- **رفاه و زندگی شهری:** یعنی بالا رفتن سطح زندگی مادی و رفاه و اشاعه فرهنگ شهر نشینی.
- **رشد فناوری:** توجه به رشد بی سابقه فناوری در تولیدات صنعتی و بروز شیوه‌های نو در تولیدات صنعتی.
- **دمکراسی یا برابر گرایی:** یعنی باور به اینکه همه انسان‌ها از هر نژاد و جنسیت و دین و مذهبی که باشند، از هر نظر مساویند.
- **سرمایه داری:** توجه به نظام سرمایه داری و اقتصاد بازار آزاد.
- **فرد گرایی:** یعنی اصالت فرد و اعتقاد به تقدم فرد بر جامعه.
- **سکولاریسم:** یعنی حاکمیت فرد علمی و غیر دینی، و به تبع آن منزوی شدن اقتدار دینی از عرصه‌های اجتماعی، و به طور کلی شیوع یک فرهنگ مادی و این جهانی (احمدی، ۱۳۹۶).

اگرچه مدرنیسم تأثیرات مثبتی همچون ایجاد رفاه نسبی اعضای خانواده و... را نیز به دنبال داشته، اما تأثیرات منفی بیشماری را هم بر خانواده و هم بر زندگی تک تک افراد جامعه داشته است. همچنین عوامل بسیاری در سطح جامعه بر میزان گرایش افراد به ویژه نوجوانان به مبانی مدرنیته و نوگرایی موثر است؛ که یکی از مهمترین این عوامل، نهاد خانواده و میزان

دینداری در خانواده است که بر میزان گرایش فرزندان و به ویژه نوجوانان به مبانی مدرنیسم و یا اصول زندگی سنتی و مذهبی تاثیر گذار است.

از کارکردهای مهم و اساسی خانواده، ارضای نیازهای عاطفی فرزندان و تربیت دینی آنهاست؛ که آموزه های دینی نیز بدان اشاره دارد (سوره تحریم، آیه ۶؛ من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۴۹). از نظر اسلام، خانواده محل پرورش، رشد و تعالی انسان و تکامل شخصیت او و تأمین سایر نیازها است. شواهدی بسیاری وجود دارد که هنجارهای فرهنگی از طریق خانواده و شیوه تعامل والدین و فرزندان بازتولید می شوند و تداوم می یابند (رودی و گروسک، ۲۰۰۱). عوامل فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی بر شیوه تربیتی و نحوه تعامل والدین با فرزندان مؤثرند (چائو، ۲۰۰۱ و سمتانا، ۲۰۰۲). شیوه تربیتی والدین نیز به نوبه خود اثری عمیق بر رفتار فرزندان دارد (اشتنبیرگ، ۲۰۰۱). اما از سوی دیگر، جامعه ایرانی به ویژه شرایط فعلی استان یزد، جامعه ای در حال گذار بوده و در کشاکش سنت و مدرنیسم، سعی در تلفیق اندیشه های نوین غربی با آموزه های سنتی و ملی خود دارد و قابل توجه است که این مسئله، و تقابل سنت و مدرنیسم بر همه ابعاد زندگی فرد و به ویژه قشر نوجوان تاثیر گذار است. نوگرایی در عرصه دین؛ فرایندی است که با اندیشه نوآوری و نوسازی، افسون زدائی از مراجع اقتداری چون سنت و مذهب، جایگزینی عقلانیت دنیوی به جای باورهای آسمانی در سر و سامان دادن به زندگی جاری، و تکیه بر علم و تکنولوژی به عنوان نیروی محرکه پیشرفت عجین شده است (قاسمی و دیگران، ۱۳۸۹). به نوعی با توجه به شواهد و نیز یافته های تحقیقات، نوگرایی در عرصه دین مساوی شده با کاهش دینداری در بین افراد جامعه.

3

تحقیقات بسیاری نیز نشان داده است که هر جا که گرایش افراد به مبانی و سنت های دینی کمتر شده است، آسیب های اجتماعی بیشماری بروز پیدا کرده است (خدایاری فرد و همکاران، ۱۳۸۵). همچنین دینداری، ارتباط معکوس و نسبتاً قوی با بزهکاری جوانان دارد (طالبان، ۱۳۷۸). پژوهش ها نشان می دهند علی رغم نقش گروه دوستان و همسالان در گرایش به سمت بزهکاری، مذهب عامل مهمی در پیشگیری از بزهکاری است (چادویک و تاپ، ۱۹۹۳) مذهبی بودن با بیماری های روان - تنی ناشی از اضطراب نیز رابطه معکوس داشته و قدرت مقابله افراد با بیماری های حاد را افزایش می دهد. به طور کلی تحقیقات نشان می دهند که بیماری های قلبی عروقی، اختلال هاضمه، فشارخون و اشکالی از سرطان در بین افراد مذهبی کمتر است (لوین و واندربول، ۱۹۹۲). باید در نظر داشت که؛ تحولات منتهی شده به مدرنیسم را باید فرعی از تحولات فرهنگی ای دانست که در طول قرون متمادی در غرب، به وقوع پیوسته است. آن گونه که از تاریخ تمدن به دست می آید، مدرنیسم در زمینه مدنیت، علم، تکنولوژی و فنآوری تاحدودی متأثر از تحول فرهنگی ناشی از تلاقی غرب با اندیشه های فرهنگ اسلامی در قرون گذشته بوده است. برخی از صاحب نظران نظیر ویل دورانت و گوستاولوبون به این تاثیر پذیری اشاره کرده اند (ویل دورانت، ۱۳۹۸؛ لوبون، ۱۳۹۴). چیزی که هست آنچه را غرب از شرق اسلامی اقتباس کرد، با مبارزات ضددینی، و نه تنها ضد کلیسایی، درآمیخت و از این رهگذر، به بحران هایی چون بحران صنعتی، اخلاقی، دینی و فرهنگی غرب دامن زد که آثار زیان بار آن تاکنون در ابعاد مختلفی دامن گیر غرب بوده است (رهنمایی، ۱۳۹۰). از دیگر عوامل به وجود آورنده مدرنیسم می توان به رنسانس، جنبش اصلاح دینی، جنبش عصر روشنگری و انقلاب صنعتی اشاره نمود که ویژگی شاخص این انقلاب، جایگزینی ماشین با قدرت مکانیکی، به جای نیروی مستقیم انسانی، تمرکز صنعت در تأسیسات و کارخانه های عظیم و گذار از جامعه ایستای کشاورزی و تجاری به جامعه صنعتی مدرن است (بیات، ۱۳۸۶).

در مجموع، در جامعه ما؛ سنت های مذهبی و ایرانی، نوجوانان را به حفظ پوشش؛ رعایت حجاب؛ عفاف در روابط، وفاداری، صداقت، جمع گرایی، حفظ حرمت خانواده؛ تقدس امر ازدواج و... سفارش می کند و جلوه های مدرنیسم آنها را به فردگرایی، گسترش روابط آزاد، رفاه گرایی، آزادی افراطی و سکولاریسم دعوت می کند؛ بنابراین جامعه ما وارد مرحله ای می -

گردد که در دنیای مدرن، غیر قابل اجتناب می باشد؛ اما باید دید که آیا مبانی مدرنیته با مبانی و نگرش های مذهبی ما سازگار است، چنانچه شجاعی زند (۱۳۸۵) در مطالعات خود نشان داده جمع کردن این دو مفهوم با یکدیگر امکان پذیر نبوده مگر اینکه هر کدام از این دو به نفع دیگری تاحدودی از پافشاری کردن بر اصول خود دست بردارند. لذا نوگرایی در دین همزمان می شود با کاهش دینداری و گرایش به فردگرایی، تجربه گرایی و آزادی گرایی مدرنیته؛ که این امر خود آسیب های بیشماری را در جامعه ما که "جامعه ای است با فرهنگ مذهبی و دینی"؛ به دنبال دارد. همچنین اشاره شد که هم در سطح فردی، هم در سطح خانواده و هم در سطح اجتماع عوامل بسیاری بر گرایش فرد به مبانی دینداری و مدرنیسم تاثیر گذار است و در این تحقیق سعی داریم که نقش خانواده و دینداری خانواده را بر میزان نوگرایی دینی در بین دانش آموزان دوره دوم متوسطه شهرستان یزد ناحیه ی ۱، مورد بررسی قرار دهیم. لذا این مطالعه بنا دارد که به سوال زیر پاسخ دهد: میزان دینداری و پایبندی به مبانی سنتی دینی در نهاد خانواده چه تاثیری بر میزان گرایش نوجوانان (دانش آموزان دوره دوم متوسطه شهر یزد) به نوگرایی در عرصه دین دارد؟

### مبانی نظری

زاهد (۱۳۸۷) الگو یا ماتریس اصطلاحات موجود در فرهنگ غرب را اینگونه ترسیم و بررسی نموده است؛ ابعاد لایه های فرهنگ؛ نظام ارزش ها و اخلاق جمعی؛ علم و معرفت فن آوری و مهارت ها عبارتند از:

4

- بنیادی انسانگرایی و دنیاگرایی و لذت جویی خردگرایی محض و عقل ابزاری عملگرایی و اصالت فایده
- تخصصی فلسفه، مبانی علوم و هنرها و علوم انسانی رایج هنرهای تخصصی و علوم پایه و علوم انسانی رایج علوم مهندسی و کاربردی رایج
- عمومی ارزش ها و عقاید عمومی و هنجارهای اخلاقی رایج در جوامع غربی هنرها و دانش و معرفت عمومی بشری مبتنی بر علوم پایه و علوم انسانی رایج شیوه های زندگی مدرن

با توجه به خصلت هر یک از اجزاء به دست آمده در خصوص فرهنگ رایج در غرب می توان گفت انسانگرایی، دنیاگرایی و لذت جویی در واقع ظرفیت فرهنگ مسلط جهانی را تعیین می کند. یعنی این فرهنگ تا جایی که این سه مفهوم اجازه می دهند قدرت بسط و گسترش دارد و به عبارتی دیگر، خطوط قرمز در این فرهنگ با عوامل فوق معین می شود. در محدوده این فرهنگ هیچ کس حق ندارد این ارزش های بنیادین را بشکند. جهت این فرهنگ با فلسفه، مبانی علوم و هنرها و علوم انسانی رایج مشخص می گردد. به هرکجا که فلسفه، مبانی علوم و هنرها و علوم انسانی رایج فرهنگ را هدایت کنند به همان سو می رود. عاملیت تحقق جهتی که فلسفه، مبانی علوم و هنرها و علوم انسانی رایج مشخص می کند به عهده ارزش ها و عقاید عمومی و هنجارهای اخلاقی رایج در جوامع غربی است. به عبارت دیگر ارزش ها و عقاید عمومی و هنجارهای اخلاقی رایج در جوامع غربی امروزه عامل تحقق این فرهنگ می باشند.

محور ساختار فرهنگ غرب بر خردگرایی محض و عقل ابزاری استوار است. هنرهای تخصصی و علوم پایه و علوم انسانی رایج خصلت یا ظرفیت تصرفی فرهنگ را معین می کنند. یعنی این که تا چه حد قدرت تصرف توسط این فرهنگ وجود دارد و ایسته به دانش های ذکر شده است. هنرها و دانش و معرفت عمومی به تبع دو عامل فوق حاصل می گردد. از این رو به آن ساختار تبعی می گوئیم.



عملگرایی و اصالت فایده هماهنگ کننده فعالیت‌های مردم متخلق به این فرهنگ می‌باشند. یعنی هر عملی که می‌خواهد انجام گیرد حول محور عملگرایی و اصالت فایده با دیگر عوامل موجود در این فرهنگ هماهنگ می‌شود. علوم مهندسی و کاربردی رایج وسیله به حساب می‌آیند و شیوه زندگی مدرن زمینه فعالیت‌های این فرهنگ را فراهم می‌نماید. نوگرایی مشتمل بر ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی می‌باشد. بعد فرهنگی نوگرایی سه عنصر انتقادگری (داشتن روحیه انتقادگری و انتقادپذیری در زمینه مسایل مختلف اجتماعی و سیاسی)، عرفی شدن باورها (کاهش تعصبات مذهبی و نشان دادن تسامح بیش تر نسبت به ادیان مختلف، توجه به کمال انسانیت افراد صرف نظر از نوع عقاید مذهبی آنها، تقدس زدایی از امور مختلف و تکثرگرایی در عقاید مذهبی) و علم گرایی (گسترش علوم جدید و جایگزینی بینش علمی به جای بینشهای مبتنی بر عقاید خرافی و اسطوره های سنتی) را در بر می‌گیرد (قاسمی و دیگران، ۱۳۸۹).

برخی از نظریه پردازان، از قرابت و نزدیکی دین با مدرنیته، تحت عنوان "عرفی شدن دین"، نام می‌برند؛ عرفی شدن در اولین گام، دین را از همه کارگی در حیات فردی و اجتماعی باز می‌دارد و جایگاه نهاد برتر را برای آن پیشنهاد می‌کند و در گام های بعدی غلبه نهادی آن را به زیر سؤال می‌برد و بر تمایز ساختی و استقلال نهادها تأکید می‌نماید و از این طریق، دیگر نهادهای اجتماعی را به خروج از سیطره هنجاری آن فرا می‌خواند. این روند تا تبدیل شدن دین به یک نهاد فرعی یا ترک موقعیت نهادی ادامه می‌یابد؛ (لاکمن، ۱۹۶۷؛ برگر، ۱۹۶۷؛ دابلر، ۱۹۹۹؛ به نقل از صالحی و همکاران، ۱۳۹۳). آخرین منزل برای دین در سرانجام این فرایند، بدل شدن آن به یک دلمشغولی شخصی در قالب «معنویت های زندگی» است.

5

**نظریه (تعارض ذاتی اسلام و تجدد) در بین مذهب و مدرنیته: دیدگاهی که می‌توان گفت در مقابل بسیاری از نظریات مطرح شده، قرار دارد.** و این نظریه می‌پندارد روح تمدن جدید با روح اسلام، تعارض ذاتی و مبنایی دارد. از نظرگاه پیروان این دیدگاه، نمی‌توان وجه عقیدتی تمدن جدید را از وجه مادی و صنعتی آن جدا ساخت، و ضمناً پیشرفت های مادی جهان غرب از بُن و ریشه نامشروع یا کژراهه است؛ زیرا آن دنیاسازی ای از دیدگاه اسلام پسندیده است که در راه ساختن آخرت باشد و در خدمت بندگی انسان برای وصول به محضر خداوند و نه برای ساختن بهشت زمینی و ارضای امیال آدمی.

ایشان معتقدند که بین اسلام و دین (سنت ها) و تجدد و مدرنیسم هیچ وجوه قابل اشتراکی وجود ندارد که بتوان این دو را در کنار یکدیگر قرار داد و این دو مفهوم در بنیان، ریشه ها، تعاریف و اصول بایکدیگر متفاوت هستند. پس نوعی تعارض ذاتی بین این دو مقوله وجود دارد. زمانی که از ایشان می‌پرسیم: نحوه برخورد امام زمان (عج) با تمدن جدید چگونه خواهد بود؟ پاسخ می‌دهند: «ایشان از ساز و کار تمدن جدید استفاده نخواهند کرد؛ بلکه از توانمندی های خارق العاده طبیعی (و نه دست ساخته بشر) بهره خواهند گرفت». برخی از ادله ایشان در نفی و تکفیر تمدن جدید - که از اسلام، برداشت نموده اند - به شرح ذیل است:

۱) اصل «حُرْمَتِ اِیْجَادِ تَغْیِیْرِ دَرِ اَفرِیْنِشِ خِداوَنْد»؛

۲) اصل «حُرْمَتِ شَبِیْهِ شِדْنِ بَه کَفَّارِ و بیگانگان»؛

۳) مذمت «امور جدیدی که ریشه در سُننِ الهی و تعالیم انبیا و معصومان (ع) ندارند»؛

۴) اصل «حُرْمَتِ خُودِ رَا بَه هِلاکِتِ اِفکَنْدَنْ».

البته همین عده، در مقام عمل، از تمدن جدید استفاده می‌کنند؛ زیرا معتقدند که برای جلوگیری از وقوع در عُسر و حَرَج (افتادن در مشقت و مشکلات) در عمل می‌توان به مقدار ضرورت، تمدن نفی شده غربی را به کار گرفت (باقری بروجردی، ۱۳۸۹).

### روش شناسی

روش انجام این تحقیق از نظر هدف، کاربردی و از نظر اجرا توصیفی از نوع همبستگی، توصیفی و مقطعی بود. روش گردآوری اطلاعات از طریق پرسشنامه (روش میدانی) و تکمیل یافته ها با (روش کتابخانه ای- اسنادی) انجام شده است. جامعه ی آماری این تحقیق را کلیه دانش آموزان دوره دوم متوسطه شهرستان یزد ناحیه ی ۱ آموزش و پرورش تشکیل داده اند، که بر طبق آمار ارائه شده برابر است با ۱۱۰۰۰ دانش آموز و حجم نمونه با استفاده از جدول مورگان ۳۷۵ نفر برآورد گشت. بنابراین ۳۷۵ دانش آموز دختر و پسر دوره ی دوم متوسطه ی شهرستان یزد (ناحیه ی ۱ آموزش و پرورش) با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی خوشه‌ای انتخاب شده و به پرسشنامه ی تحقیق پاسخ دادند.

ابزار گردآوری داده ها، پرسشنامه بود. در این پژوهش برای سنجش میزان نوگرایی دینی از مدل دینداری گلاک و استارک استفاده شد؛ وی دینداری را در پنج بعد (اعتقادی؛ مناسکی؛ پیامدی؛ شناختی و عاطفی) دسته بندی نموده اند. در این مطالعه نوگرایان دینی را کسانی می دانیم، که برخی از اندیشه های مدرنیسم و غربی از جمله فردگرایی، انسان مداری، آزادی گرایی، تجربه گرایی و... را در اندیشه ها و آموزه های دینی وارد کرده اند و در حقیقت نوگرایی در دین مساوی می شود با کاهش دینداری در افراد. همچنین، در این تحقیق نیز با توجه به تعاریف و کارکردهایی که در نظریات مختلف برای دین ذکر شده است؛ و با استفاده از مطالعات و مقیاسی که خدایاری فرد و همکاران (۱۳۸۵) در خصوص سنجش دینداری طراحی نمودند؛ ما نیز دینداری خانواده را در قالب رعایت اخلاقیات؛ اصول سنتی و مبانی اولیه اعتقادی دین؛ رعایت مناسک و احکام در نظر می گیریم.

داده های به دست آمده از طریق پرسشنامه؛ با استفاده از نرم افزار تحلیلی- کاربردی SPSS نسخه ی ۲۰ مورد پردازش و تحلیل قرار گرفت.

### یافته های تحقیق:

بین نوگرایی دینی (در بعد اعتقادی دین) با میزان دینداری در خانواده؛ در بین دانش آموزان رابطه معناداری وجود دارد.

جدول (۱) ضریب همبستگی بین متغیر دینداری خانواده با متغیر میزان نوگرایی دینی (اعتقادی)

متغیر پیش بین	متغیر ملاک	ضریب همبستگی	P	n
دینداری خانواده	نوگرایی دینی اعتقادی	-۰/۳۴۱	*** ۰/۰۰۰	۱۰۰

\*\*\* P<۰/۰۰۱

نتایج آزمون همبستگی با توجه به مقدار آزمون ( $r = -0/341, p < 0/001$ ) نشان داد که بین دو متغیر میزان دینداری خانواده با میزان نوگرایی اعتقادی دین در بین دانش آموزان دوره دوم متوسطه شهرستان یزد ناحیه ی ۱ همبستگی معکوس و معناداری وجود دارد. به عبارت بهتر، هر چه میزان دینداری در خانواده در سطح بالاتری قرار داشته باشد از میزان گرایش نوجوانان به مبانی نوگرایی در بعد اعتقادی دین نیز کاسته می شود.

بین نوگرایی دینی (در بعد مناسکی دین) با میزان دینداری در خانواده؛ در بین دانش آموزان رابطه معناداری وجود دارد.

جدول (۲) ضریب همبستگی بین متغیر دینداری خانواده با متغیر میزان نوگرایی دینی (مناسکی)

متغیر پیش بین	متغیر ملاک	ضریب همبستگی	P	n
دینداری خانواده	نوگرایی دینی مناسکی	-۰/۲۸۷	*** ۰/۰۰۰	۱۰۰

\*\*\* P < ۰/۰۰۱

بنابراین نتایج آزمون همبستگی با توجه به مقدار آزمون ( $r = -0/287, p < 0/001$ ) نشان داد که بین دو متغیر میزان دینداری خانواده با میزان نوگرایی مناسکی دین در بین دانش آموزان دوره دوم متوسطه شهرستان یزد ناحیه ۱ همبستگی معکوس و معناداری وجود دارد. به عبارت بهتر، هر چه میزان دینداری در خانواده در سطح بالاتری قرار داشته باشد از میزان گرایش نوجوانان به مبانی نوگرایی در بعد مناسکی دین نیز کاسته می شود.

7

بین نوگرایی دینی (در بعد شناختی دین) با میزان دینداری در خانواده؛ در بین دانش آموزان رابطه معناداری وجود دارد.

جدول (۳) ضریب همبستگی بین متغیر دینداری خانواده با متغیر میزان نوگرایی دینی (شناختی)

متغیر پیش بین	متغیر ملاک	ضریب همبستگی	P	n
دینداری خانواده	نوگرایی دینی شناختی	-۰/۲۷۱	*** ۰/۰۰۰	۱۰۰

\*\*\* P < ۰/۰۰۱

نتایج آزمون همبستگی با توجه به مقدار آزمون ( $r = -0/271, p < 0/001$ ) نشان داد که بین دو متغیر میزان دینداری خانواده با میزان نوگرایی شناختی دین در بین دانش آموزان دوره دوم متوسطه شهرستان یزد ناحیه ۱ همبستگی معکوس و معناداری وجود دارد. به عبارت بهتر، هر چه میزان دینداری در خانواده در سطح بالاتری قرار داشته باشد از میزان گرایش نوجوانان به مبانی نوگرایی در بعد شناختی دین نیز کاسته می شود.

بین نوگرایی دینی (در بعد پیامدی دین) با میزان دینداری در خانواده؛ در بین دانش آموزان رابطه معناداری وجود دارد.

جدول (۴) ضریب همبستگی بین متغیر دینداری خانواده با متغیر میزان نوگرایی دینی (پیامدی)

متغیر پیش بین	متغیر ملاک	ضریب همبستگی	P	n
دینداری خانواده	نوگرایی دینی پیامدی	-۰/۲۸۴	*** ۰/۰۰۰	۱۰۰

\*\*\* P<۰/۰۰۱

نتایج آزمون همبستگی با توجه به مقدار آزمون ( $r = -0/284, p < 0/001$ ) نشان داد که بین دو متغیر میزان دینداری خانواده با میزان نوگرایی پیامدی دین در بین دانش آموزان دوره دوم متوسطه شهرستان یزد ناحیه ۱ همبستگی معکوس و معناداری وجود دارد. به عبارت بهتر، هر چه میزان دینداری در خانواده در سطح بالاتری قرار داشته باشد از میزان گرایش نوجوانان به مبانی نوگرایی در بعد پیامدی دین نیز کاسته می شود.

بین نوگرایی دینی (در بعد عاطفی دین) با میزان دینداری در خانواده؛ در بین دانش آموزان رابطه معناداری

وجود دارد.

8

جدول (۵) ضریب همبستگی بین متغیر دینداری خانواده با متغیر میزان نوگرایی دینی (عاطفی)

متغیر پیش بین	متغیر ملاک	ضریب همبستگی	P	n
دینداری خانواده	نوگرایی دینی عاطفی	-۰/۳۱۱	*** ۰/۰۰۰	۱۰۰

\*\*\* P<۰/۰۰۱

نتایج آزمون همبستگی با توجه به مقدار آزمون ( $r = -0/311, p < 0/001$ ) نشان داد که بین دو متغیر میزان دینداری خانواده با میزان نوگرایی عاطفی دین در بین دانش آموزان دوره دوم متوسطه شهرستان یزد ناحیه ۱ همبستگی معکوس و معناداری وجود دارد. به عبارت بهتر، هر چه میزان دینداری در خانواده در سطح بالاتری قرار داشته باشد از میزان گرایش نوجوانان به مبانی نوگرایی در بعد عاطفی دین نیز کاسته می شود.

### بحث و نتیجه گیری

مدرنیسم با ترویج فردگرایی که بر اساس آن، هر موجود انسانی فی نفسه حایز ارزشی برین در حیات اجتماعی شمرده می شود؛ معتقد شد فرد بر جامعه برتری دارد و جامعه باید در خدمت فرد درآید و در شکوفایی وی مدد رساند (بیرو، ۱۳۹۵). این بینش، نتایجی چون خنثی شدن واقعیت های جهان از بار ارزشی (جدا شدن ارزش از واقعیت) نسبی شدن و فردی شدن و خودبنیاد شدن ارزش ها، بی طرفی و تکثرگرایی، شیوع ابتذال و انحطاط در روابط مابین آدمیان، به ویژه روابط میان زن و مرد و کالایی شدن مناسبات انسانی را به دنبال داشت (همان). از منظر دیگر، مدرنیسم با اعتقاد به حس گرایی و اینکه دستیابی به معرفت و شناخت آن، تنها از طریق حس و تجربه، امکان پذیر است، سبب انکار ارزش های اخلاقی گردید و لذا، نسبیت گرایی از



دل چنین تفکری زاییده شد. در مجموع، مدرنیته با مبنا قرار دادن انسان در مقابل خدا و تأکید بر آزادی (لیبرالیسم) افسارگسیخته، و از سویی، مبارزه با سنت‌ها و هر عرف و عادت مألوف، تحت‌عنوان امروزی و جدید بودن و نیز با تکیه بر عقل بشری منقطع از وحی و توجه به اصالت علم و تجربه و انکار ماورای آن، گامی نوین در جهت انحطاط بشری برداشت؛ زیرا با حذف خدا، دین و مذهب از زندگی بشر، به بهانه مبارزه با «سنت»، عملاً به نیازهای روحی و معنوی انسان بی‌توجهی کرده و بشر نیازمند به معنویت را با احساس خلأ و بحران مواجه نمود.

از سوی دیگر تأمین نیازهای اقتصادی و جامعه پذیر نمودن و پرورش اجتماعی و رشد شخصیت فرزندان، از مهمترین کارکردهای مهم خانواده است. بی تردید جامعه نیازمند خانواده‌هایی سالم، پویا و بانشاط است تا بتوانند با مدیریت صحیح، همه جانبه و متعهدانه، علاوه بر زمینه سازی انتقال فرهنگ صحیح و ارزش‌ها به فرزندان، از ورود هرگونه فرهنگ انحرافی، التقاطی و ضد ارزش‌ها به خانواده جلوگیری نمایند. عوامل بسیاری بر شکل‌گیری شخصیت و باورها و اعتقادات نوجوانان در جامعه موثر است که یکی از مهمترین آن؛ نهاد خانواده و گرایش‌های فرهنگی خانواده است که در این تحقیق، به بررسی رابطه بین این دو متغیر پرداخته شد.

کنش اجتماعی دین به راهکارهایی که دین از طریق آن بر روابط انسانی و تمدن و فرهنگ بشری تأثیر می‌گذارد، اشاره دارد. انسان در راستای گرایش به زندگی جمعی، در پی حاکمیت معیارها و ضوابط خاصی برای حفظ نظم اجتماعی و هدایت و اعتدالی جامعه به سوی آرامش و نیک بختی است. از این جهت حاکمیت دین را به منزله حاکمیت مجموعه دستورات و قوانین لازم می‌دانند علامه طباطبایی (خسروشاهی، ۱۳۷۰) کارکرد اجتماعی دین را در حفظ نظم و بنیادهای جامعه می‌داند. از نظر او دین حافظ، نگهدارنده و ضامن اخلاق فاضله در جامعه و علت اصلی و اساسی جلوگیری از هوی و هوس‌های انسانی است و در پی چنین جایگاهی برای دین است که نظم و انتظام جامعه باقی می‌ماند و شیرازه آن از هم نمی‌گسلند.

از ضروریات انجام این تحقیق بررسی این مسئله است که در جامعه در حال گذار امروز ایران، به ویژه که استان یزد دارالعباده ایران بوده و مهد سنت‌های دینی و مذهبی می‌باشد، که در دنیای در حال گذار امروز جامعه ما، قطعاً دارالعباده نیز دستخوش تغییراتی اجتناب‌ناپذیر می‌گردد؛ که انجام پژوهش‌هایی با موضوعات تقابل دین و مدرنیته در این استان از اهمیت دوچندانی برخوردار می‌باشد. همچنین در خصوص مسایل فرهنگی و خصوصاً در امر دینداری و مذهب؛ مردم جامعه ما و به ویژه نوجوانان که مهمترین قشر جامعه هستند؛ و نهاد خانواده نیز، مهمترین نهاد در شکل‌گیری شخصیت فرزندان می‌باشد، که ضرورت دارد مورد بررسی و کاوش قرار گیرد. در نهایت با توجه به کنش اجتماعی مذهب، دغدغه‌های اجتماعی و فردی انسان، مسائل و مشکلات عمده‌ای که در طول زندگی همواره با آن‌ها درگیر است؛ از جمله نگرانی از عدم و نیستی، نگرانی از تنهایی و عدم تعلق اجتماعی، نگرانی از پوچی و بی‌معنایی، سردرگمی و عدم وقوف به جایگاه خود در جهان و نگرانی از نداشتن چهارچوب و برنامه‌های متقن و قابل اطمینان در زندگی فردی و اجتماعی، توان و توجه انسان را به سوی یافتن منبعی آرامش بخش، رحمت آفرین، بامعنا، متعالی، ابدی، هدایتگر و نظاره‌گر بر رفتارها، راهنمایی می‌کند. و توجه به نهاد خانواده نیز، راهگشای بسیاری از مشکلات بوده و عاملی در جهت پیشگیری از بسیاری از آسیب‌های اجتماعی در سطح جامعه می‌باشد.

باید اشاره کرد که گرایش به نوگرایی یکی از پدیده‌های اجتماعی است که تک‌علتی نبودن و عوامل زیادی بر گرایش افراد نسبت به نوگرایی دینی تأثیر گذار است؛ افزایش ارتباطات و رسانه‌ها؛ تحصیلات؛ سن؛ میزان پایبندی خانواده‌ها به مبانی دینی؛ همسالان؛ مدارس و دانشگاه‌ها و... نهادها و عواملی هستند که بر این امر تأثیر می‌گذارند؛ و متقابلاً نوگرایی دینی افراد نیز بر نهاد خانواده، همسالان و... تأثیرگذار می‌باشد. اما باید توجه داشت که تغییر در نگرش نسبت به دین که نوگرایی دینی نام دارد؛ تغییراتی است که معمولاً به سمت عرفی شدن دین حرکت می‌کند؛ و این امر باعث می‌شود که میزان اعتقاد فرد به

خدا کمتر شود؛ میزان دینداری در سطح جامعه کاهش یابد و این مسئله نیز قطعاً آسیب های اجتماعی بیشتری را هم در سطح فردی و هم در سطح اجتماعی به دنبال خواهد داشت.

همچنین باید بسیار مد نظر داشت که؛ توجه به نهاد خانواده یکی از اصلی ترین ملزومات کاهش آسیب های اجتماعی جامعه می باشد. اگر نوجوان در خانواده احساس امنیت و آرامش داشته باشد و اصول و مبانی دینی در خانواده رعایت شود، قطعاً شخصیت فردی و اجتماعی این نوجوانان بهتر شکل گرفته و احتمال آسیب دیدن آن ها در جامعه نیز کمتر می باشد. لذا برای کاهش آسیب های اجتماعی باید حوزه مداخله ما نهاد خانواده باشد؛ چرا که نتایج تحقیقات نیز، نشان داده که بین میزان دینداری و اهمیت به مبانی دینی در خانواده و نوگرایی دینی، نگرش نسبت به روابط دختر و پسر و... رابطه معناداری وجود داشت.

این مطالعه نیز نشان داد که بین میزان دینداری در خانواده با میزان نوگرایی دینی نوجوانان نیز همبستگی معکوس و مستقیمی وجود دارد. در نهایت باید گفت که نوجوان امروزی جامعه ما، به نوعی راه خود را گم کرده و همه آسیب هایی که متوجه اوست، ناشی از ناآگاهی و غفلت موقتی است که دچار شده اند؛ که قطعاً با برنامه های آگاهی سازی می توان وجدان و طینت پاک آنها را بیدار کرد و آنها را به مسیر صحیح هدایت نمود.

### فهرست منابع

- احمدی، بابک (۱۳۹۶)، معمای مدرنیته، نشر مرکز، تهران
- باقری بروجردی، مهدی (۱۳۸۹)، سنت و نوگرایی، نشریه حدیث زندگی، شماره ۱۳: ۱-۲۴.
- بیات، عبدالرسول (۱۳۸۶)، فرهنگ واژه ها، قم، مؤسسه اندیشه و فرهنگ دینی.
- بیرو، آلن (۱۳۹۵)، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی، تهران، کیهان.
- خدایاری فرد، محمد؛ غباری بناب، باقر؛ شکوهی یکتا، محسن؛ (۱۳۸۷)، تهیه مقیاس اندازه گیری اعتقادات و نگرش مذهبی دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف، تهران: دانشگاه صنعتی شریف.
- رهنمایی، سیداحمد (۱۳۹۰)، غرب شناسی، قم، مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- زاهد، سید سعید (۱۳۸۷)؛ در باب توسعه فرهنگی در ایران، فصلنامه راهبرد یاس، سال اول، ش ۳: ۹۲-۸۱.
- شجاعی زند، علیرضا (۱۳۸۵)، بررسی امکان همزیستی دین و مدرنیته، نامه علوم اجتماعی، شماره ۳۰: ۱-۲۲.
- صالحی، عصمت؛ زاده دهقان، حسن و یاراحمدی، محمدهادی (۱۳۹۳)، بررسی وضعیت نوگرایی دینی در بین جوانان شهر یزد، جامعه شناسی کاربردی، دوره ۲۵، شماره ۳، شماره پیاپی ۳: ۱۸۱-۱۹۶.
- طالبان، محمدرضا (۱۳۷۸)، خانواده، دانشگاه و جامعه پذیری مذهبی، نشریه نامه علوم اجتماعی، شماره ۱۳: ۵۴-۲۷.
- قاسمی وحید، وحید فریدون، ربانی خوراسگانی رسول و ذاکری زهرا (۱۳۸۹)؛ شناخت تاثیر طبقه اجتماعی بر نگرش نسبت به جریان نوگرایی در شهر اصفهان؛ گروه علوم اجتماعی، دانشگاه اصفهان.
- لوبون، گوستاو (۱۳۹۴)، تمدن اسلام و عرب، ترجمه هاشم حسینی طهرانی، تهران، کتابفروشی اسلامی.



ویل دورانت (۱۳۹۸)، لذات فلسفه، ترجمه عباس زریاب‌خوئی. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی

Chadwick, A, & Top, B. L; Religiosity and delinquency among Adolescence. Journal for the scientific study of religious, 1993.

Chao, R. (2001). Extending research on the consequences of parenting style for Chinese Americans and European Americans. Child Development, 72, 1832-1843.

Leven J,S, vanderpool, H, (1992) Religions Factor hn physicall heahth and the prevention of illness. New York "Haworth press.

Rudy, D., & Grusec, J. E. (2001). Correlates of authoritarian parenting in individualist and collectivist cultures and implications for understanding the transmission of values. Journal of Cross-Cultural Psychology, 32, 202-212.

Smetana, J. G., & Daddis, C. (2002). Domain-specific antecedents of psychological control and parental monitoring: The role of parenting beliefs and practices. Child Development, 73, 563-580.

Steinberg, L. (2001). We know some things: Parent-adolescent relationships in retrospect and prospect. Journal of Research on Adolescence, 11, 1-19.